

## فصلنامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: Y2N5A15806 ISSN-P: 2676-6442

مدل ساختاری تعهد زناشویی براساس باورهای ارتباطی و طرحواره های ناسازگار  
اولیه با نقش میانجی الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت جنسی و سبکهای حل تعارض

دانشجویان متاهل دانشگاه پیام نور کرمانشاه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

حسنا محمدی

دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

دکتر محمود گودرزی<sup>۱</sup>

استادیار گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

سحر رضایی

دانشجوی دکترا مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

### چکیده

پژوهش با هدف پیش بینی تعهد زناشویی براساس باورهای ارتباطی و طرحواره های ناسازگار اولیه با نقش میانجی الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت جنسی و سبکهای حل تعارض دانشجویان متاهل دانشگاه پیام نور کرمانشاه انجام گرفته است. روش پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده ها توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه پیام نور کرمانشاه با بیش از ۵ سال سابقه زندگی زناشویی خواهند. حجم نمونه به روش نمونه گیری در دسترس ۳۰۰ نفر انتخاب گردید. ابزار- های پژوهش شامل پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ (۱۹۸۸)، پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسن و اپستین (۱۹۸۱)، پرسشنامه

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

الگوهای ارتباطی کریستسن و سالوی (۱۹۸۴)، پرسشنامه رضایت جنسی لارسون (۱۹۸۸)، پرسشنامه سبکهای حل تعارض رحیم (۱۹۸۳) بود. پایایی پرسشنامه‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۰، ۰/۸۳، ۰/۸۹، ۰/۹۰، ۰/۹۲ محاسبه شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که باورهای ارتباطی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعهد زناشویی اثر مستقیم و با نقش میانجی الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت جنسی و سبکهای حل تعارض دانشجویان متاهل دانشگاه پیام نور کرمانشاه اثر غیر مستقیم دارد.

**واژگان کلیدی:** باورهای ارتباطی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای ارتباطی زوجین، رضایت جنسی، سبکهای حل تعارض، تعهد زناشویی

## مقدمه

نظام خانواده از مهمترین نظام‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج شکل میگیرد؛ از این رو برقراری و حفظ پیوند و روابط نزدیک با دیگران یک نیاز اساسی و بنیادی انسان است (گودرزی، شیری و محمودی، ۱۳۹۷). ازدواج اساسی‌ترین قرارداد زندگی هر فرد محسوب می‌شود که رکن مهم در استواری آن تعهد بین زوجین می‌باشد. نتایج تحقیقات نشان داده تعهد زناشویی یکی از مهمترین عوامل حفظ کننده ازدواج و فقدان آن مهم‌ترین عامل موثر در بروز طلاق به شمار می‌رود (رینولد و منسفیلد، ۱۹۹۹؛ کوهان و کلینباوم، ۲۰۰۲؛ دو و همکاران، ۲۰۱۶). تا زمانی که زوجین تعهد زناشویی را جدی نگیرند نمی‌توانند به ساختار

---

marital commitment

Reynold & Mansfield

Cohan. & Kleinbaum,

<sup>۲</sup>Dew

زندگی زناشویی سالم برسند. تعهد درقبال ازدواج ترس از ترک شدن و تنها ماندن را به حداقل می رساند (دو، ۲۰۱۶). زوجهایی که در مورد تعهد خود در برابر همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و وفاداری دوسوگرایانه را در پیش می گیرند، در ازدواج و کار با دیگران دچار مشکل خواهند شد و این روابط غالباً منتج به بیوفایی خواهد بود (مارک و همکاران، ۲۰۱۱). تعهد زناشویی نیرومندترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی کننده کیفیت و پایداری رابطه زناشویی است (اولسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ اریکا واگنو، ۲۰۰۱؛ هیو و همکاران، ۲۰۰۷؛ جان و همکاران، ۲۰۱۱). تعهد زناشویی، ماهیت وابستگی فرد در رابطه را نشان میدهد، اینکه فرد در رابطه را نشان میدهد، اینکه فرد چقدر در رابطه احساس امنیت نیمند و تا چه حد احساس میکند که رابطه در درازمدت ارزشمند است (رحمانی، گودرزی، آراسته، ۱۳۹۹). تعهد زناشویی دربرگیرنده دومولفه ازخودگذشتگی نسبت به همسر ناتوانی در ترک آن است (آلن و همکاران، ۲۰۱۱؛ تری و همکاران، ۲۰۱۳). تعهد زناشویی ماهیت وابستگی هر یک از زوجین را در رابطه زناشویی نشان می‌دهد، این که فرد در رابطه زناشویی چقدر احساس امنیت می‌کند تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل هستند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند (تودسکو و همکاران، ۲۰۱۲؛ نلسون و همکاران، ۲۰۱۱). تعهد زناشویی احساس تداوم به رابطه، تلاش و انگیزه برای حفظ آن است، تعهد زناشویی عامل اساسی رسیدن به ثبات زناشویی است. تعهد زناشویی اگرچه به عنوان یک سازه

---

<sup>۱</sup>Mark

Olson

<sup>۲</sup>Arriaga and Agne

<sup>۳</sup>Huei

John

Allen

Terry

<sup>۴</sup>Todesko

Nelson

کلی در نظر گرفته می شود اما شامل سه بعد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری می باشد. تعهد شخصی، به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه ی زناشویی است این تعهد منعکس کننده ی تلقی های فرد نسبت به شریک زندگی و رابطه اش است، تعهد اخلاقی است نشان دهنده ی میزان احساس تعهد فرد به پیوند ازدواج است. ارزشها و باورهای بنیادین فرد درباره مسیر رفتار صحیح در رابطه، بر محور تعهد اخلاقی قرار دارد. تعهد ساختاری نیز به این معناست که فرد احساس میکند به دلیل عوامل خارجی (عواملی مانند فرهنگ و عرف) باید در رابطه باقی بماند (آدامز و جونز، ۱۹۹۸). تعهد زناشویی نشان دهنده دیدگاه بلند مدتی است که زوجین روی ازدواجشان دارند، لذا برای رابطه شان از خود گذشتگی می کنند، برای حفظ و تقویت همبستگی و اتحادشان گام برمی دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواجشان پاداش دهنده نیست می مانند (تری، ۲۰۱۳؛ اولسون، ۲۰۱۳). تعهد در ازدواج باعث افزایش رضایت از زندگی و رضایت زناشویی میشود (فارل و همکاران، ۲۰۱۶) بدون تعهد، رابطه سطحی، ظاهری و بدون سمت و جهت خواهد بود (فایر کلوث و همکاران، ۲۰۱۱).

مطالعات پیرامون مفهوم تعهد در ازدواج از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و پژوهشگران از طریق ارائه مدل ها و نظریه های مختلف، به مفهوم سازی و تبیین آن پرداختند (چنگ، ۲۰۱۰). یکی از مدل های مورد توجه در این پژوهش مدل نظری آدامز و جونز (۱۹۹۷) می باشد. مطابق با این مدل، تعهد زناشویی مشتمل بر سه بعد است که شخص را به ادامه رابطه زناشویی پایبند می کند: تعهد نسبت به همسر (جاذبه زناشویی) است تعهد نسبت به ازدواج (التزام اخلاقی) و محدودیت اجتماعی (احساس به دام افتادگی) است. تعهد نسبت به همسر شامل عشق، رضایت، فداکاری و سرسپردگی می باشد. تعهد نسبت به ازدواج به مسئولیت پذیری زوجین

---

<sup>۱</sup>Adams & Jones

<sup>۲</sup>Fareel

<sup>۳</sup>Faircloth

<sup>۴</sup>Cheng

<sup>۵</sup>Adams & Jones

برای حفظ ازدواج و احترام به آن گفته می‌شود. محدودیت اجتماعی نیز به پیامدهای عاطفی، مالی و اجتماعی خاتمه دادن به روابط زناشویی اشاره دارد. آدامز و جونز این سه بعد را به عنوان ابعاد شخصی، اخلاقی و ساختاری بیان می‌کنند، تعهد شخصی به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی و منعکس کننده نگرش فرد نسبت به شریک زندگی و رابطه اش و همچنین میزان اهمیت رابطه برای هویت فرد است. تعهد اخلاقی نشان دهنده باورها ی فرد درباره چگونگی مسیر رفتار صحیح در رابطه و میزان احساس تعهد فرد به ادامه رابطه است و تعهد ساختاری به این معناست که فرد احساس می‌کند به دلیل عوامل بیرونی مثل عوامل فرهنگی و عرفی باید در رابطه باقی بماند (رامیرز، ۲۰۱۰؛ ارنبرگ، ۲۰۱۲؛ تانگ و کوران، ۲۰۱۲).

با توجه به اهمیت تعهد زناشویی در بقا ازدواج، در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای به عوامل مختلفی که روی سطح تعهد زناشویی زوجین تاثیر می‌گذارند، شده است. طبق نظریه اشتنبرگ<sup>۴</sup> ۱۹۸۷ عشق و ازدواج شامل سه بخش صمیمیت، میل و اشتیاق و تعهد است، صمیمیت مولفه رفتاری، میل مولفه هیجانی و تعهد مولفه شناختی این رابطه است. تعهد به نظر اشتنبرگ، شامل تصمیم‌های خودآگاهانه و غیر خودآگاهانه‌ای می‌شود که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ می‌کند و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند، تعهد جنبه شناختی دارد و شناخت‌های هر یک از دونفر تعهد زناشویی را تشکیل می‌دهد. مبتنی به این نظریه، پرداختن به سازه‌های شناختی موثر در تعهد زناشویی در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت. یکی از پدیده‌های شناختی مورد توجه در حوزه روابط زناشویی طر حواره‌ها بوده است (دوزویس، مارتین و بابلینگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). طر حواره‌ها پدیده‌های روانی هستند که از طریق ایجاد راهبردهای مقابله‌ای

---

Ramirez

<sup>۲</sup>Ehrenberg

<sup>۳</sup>Tang & Curran

<sup>۴</sup>Sternberg

<sup>۵</sup>Dozois, Martin & Bieling

رفتار بیرونی فرد را تحت تاثیر قرار می دهند (مارتین و یانگ، ۲۰۱۰). هسته اصلی این نظریه معرفی طرحواره های ناسازگار اولیه است که عمیق ترین سطوح شناختی محسوب می شود (تیم، ۲۰۱۰). طبق نظریه یانگ (۱۹۹۷) طرحواره های ناسازگار اولیه به ریشه اعتقادات منفی عمیق در مورد خود، دیگران و جهان اشاره دارند که به شدت ناکارآمدند. یانگ بر این باور است که طرحواره ها در سه موقعیت شکل گرفته و تداوم می یابند. این سه موقعیت عبارت است از: نیازهای هیجانی، تجارب اولیه کودکی، خلق و خوی هیجانی. طرحواره های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون مایه های عمیقی هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته و در بزرگسالی تداوم یافته و به رابطه فرد با خودش، دیگران، دنیای اطرافش تاثیر می گذارد. با توجه به نظریات یانگ طرح واره ها همیشه ماهیت ناسازگار خود را در روابط نشان می دهند و یکی از مهمترین روابط بین فردی رابطه زناشویی است لذا طرح واره های ناسازگار زوجین باعث تاثیر در عملکرد رابطه و کاهش تعهد زناشویی می شوند. نظریه های شناختی خانواده بک (۱۹۹۸)؛ اپستین (۱۹۹۶) نیز ادعا می کنند که هر فرد طرح واره ها و تجارب دوران کودکی خود را به رابطه زناشویی می آورد، آنها را به فرزندان خود نیز منتقل می کند و به طور کلی ساختار روابط زناشویی را دربر می گیرد (داتیلیو، ۲۰۱۵).

پژوهش های انجام شده در این زمینه نشان داده است طرح واره های ناسازگار اولیه به مرور زمان موجب خطاهای شناختی در مورد روابط زناشویی می شوند و روی روابط زناشویی تاثیر می گذارند (زانگ و هه، ۲۰۱۰؛ وتزل و همکاران، ۲۰۱۴؛ امانی، ۱۳۹۴). طرح واره های

<sup>۱</sup>Martin & Young

<sup>۲</sup>early maladaptive schemas

<sup>۳</sup>Thimm

<sup>۴</sup>Yang

<sup>۵</sup>Beck

<sup>۶</sup>Epstein & Bakom

<sup>۷</sup>Dattilio

<sup>۸</sup>Zhang, & He

ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در سیرزندگی تکرار می‌شوند. طرح واره‌ها چگونگی تفکر، احساس، رفتار و نحوه‌ی ارتباط با دیگران را تعیین می‌کنند. باورهای عمیق و تزلزل‌ناپذیری که در دوران کودکی درباره‌ی خود، دیگران و جهان اطراف در ذهن شکل گرفته‌اند (یانگ، ۲۰۱۷). الگوهای ارتباطی زوجین، یعنی کانال‌های ارتباطی است که از طریق آنها زن و شوهر با یکدیگر به تعامل می‌پردازند الگوهای ارتباطی گفته می‌شود. الگوهای ارتباطی بین زوجین سه دسته‌اند که عبارت است از الگوی ارتباطی سازنده متقابل، الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل، الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری. الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری از دو بخش تشکیل شده است: مرد متوقع/زن کناره‌گیر و زن متوقع/مرد کناره‌گیر (کریستنسن و سالووی، ۱۹۹۱) یکی دیگر از متغیرهای این پژوهش باورهای ارتباطی است. طبق دیدگاه آیدلسون و اپستین<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) برقراری ارتباط یکی از مهارت‌های اصلی زندگی است. باورهای ارتباطی، عقیده یا ذهنیتی است که زن و شوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌اند یکی از عواملی که می‌تواند اثربخشی یک ارتباط را تضعیف کرده و موجب عدم درک درست پیام فرستاده شده یا به عبارتی رمزگشایی صحیح آن شود عبارت از باورهای غلط، پیشداوریها و نگرشهای منفی است و منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد، آن دسته از باورها و تفکرات غیرمنطقی می‌باشد که مختص رابطه‌ی زناشویی است و در اثر استفاده از فرایلی ایجاد مشکل نموده است. این باورها که شامل: باور به عدم تغییرپذیری همسر<sup>۴</sup>، باور به تخریب‌کنندگی مخالفت<sup>۵</sup> و کم‌الگرایی جنسی<sup>۶</sup>، توقع ذهن خوانی<sup>۷</sup>، باور به تفاوت‌های

<sup>۱</sup>Wetzel<sup>۲</sup>communication Beliefs<sup>۳</sup>Eidelson & Epstien,<sup>۴</sup>Unchangeability of spouse<sup>۵</sup>Destructiveness of disagreement<sup>۶</sup>Sexual perfectionism<sup>۷</sup>Mind reading expectation

جنسیتی<sup>۱</sup> می تواند بر روی تعهد زناشویی و دوام رابطه زناشویی تاثیر گذار باشد. و نیز بر اساس نظریه عقلانی عاطفی رفتاری الیس<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) داشتن رشته ای از افکار و باورهای غیرمنطقی می تواند منجر به اختلال در روابط زناشویی گردد و رضایت زناشویی کاهش می یابد. سابق پژوهشی نشان داده رضایت زناشویی، تعهد زناشویی راتحت تاثیر قرار می دهد (سلاوینکس و زادسکایت ۲۰۱۳، گاتمن، ۲۰۱۳). سایر پژوهش های حوزه زوج در این زمینه نشان داده اند، باورهای ارتباطی ناکارآمد متغیرهایی مانند روابط زناشویی، سازش پذیری راتحت تاثیر قرار می دهد و علت بسیاری از اختلافات زناشویی می باشد (مشتاقی و همکاران، ۱۳۹۲). برای یک ازدواج رضایت بخش، برقراری و تداوم ارتباط اثربخش ضروری است (مولر و وانزیل<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱). مطالعات دیدگاه شناختی و ارتباطی در مسائل زناشویی و مطالعه عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی نشان داده است که شناخت، تفکرات و باورها نقش به سزایی در روابط زوجین ایفا می کنند (درایدن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). باورهای ارتباطی غیرمنطقی زمینه ساز نارضایتی و مسائل زوجین است (سروستانی، ۲۰۱۱) در واقع بسیاری از واکنشهای نامطلوب و مشکلات ناشی از باورها و تفکرات غیرمنطقی است و تازمانی که اینگونه افکار تداوم یابند، مشکلات مربوط به ارتباط، تعهد و همراهی و حل تعارضات نیز ادامه خواهد یافت (الیس، ۲۰۰۳). منظور از باورهای ارتباطی، عقیده یا ذهنیتی است که زن و شوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته اند و منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد، آن دسته از باورها و تفکرات غیرمنطقی میباشد که مختص رابط رضایت جنسی، به احساس خوشایند شخص از روابط جنسی خود اطلاق می شود. رضایت جنسی پاسخ عاطفی برخاسته از ارزشیابی ذهنی

---

<sup>۱</sup>Gender differences

<sup>۲</sup>Ellis

<sup>۳</sup>Slavinskien. & Zardeckaite

<sup>۴</sup>Moller & Vanzeyl

<sup>۵</sup>Dryden



فرد از ابعاد مثبت و منفی مرتبط با رابطه جنسی با فردی دیگر است (لارنس و بیرز (۱۹۹۵)؛ والی انت، ۲۰۱۲)

در این پژوهش به دنبال بررسی نقش واسطه ای الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی، و سبک های حل تعارض بر روی تعهد زناشویی نیز هستیم. طبق نظریات کریستنس و سالوی (۱۹۹۱) الگوهای ارتباطی کانال های ارتباطی هستند که از طریق آن افراد بایکدیگر به تعامل می پردازند و زوجین نیز مجموعه ای از الگوهای ارتباطی رامیان خود برقرار می کنند و رفتارهای مشکل آفرین صرفا اجرای همان الگوهاست در واقع یکی از عوامل بین فردی موثر بر رضایت و عدم رضایت زناشویی، توجه به الگوهای ارتباطی زوجین است. کریستنس و سالوی (۱۹۹۱) در نظریات خود الگوهای ارتباطی زوجین را به سه دسته الگوی ارتباطی سازنده متقابل، توقع /کناره گیری و اجتناب متقابل تقسیم کرده اند. الگوهای ارتباطی زوجین به معنای پویایی های رابطه زوجین است. این الگوها مشخص می کنند که زوجین چطور با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و در بستر رابطه ی زناشویی آن ها چه می گذرد. الگوهای مخرب به نظر می رسد اثر مخربی نیز بر رابطه زناشویی داشته باشد (چنگ، ۲۰۱۰). الگوهای ارتباطی پیش بینی کننده قوی برای کیفیت رابطه زناشویی هستند الگوهای ارتباطی سالم و سازنده یکی از مهمترین عوامل رضایتمندی زناشویی است (گاتمن ۲۰۱۳). و از طرفی رضایت زناشویی پیش بینی کننده قوی تعهد زناشویی است (دنلی، ۲۰۰۷) و با بهبود الگوهای ارتباطی تعهد زناشویی نیز بهبود خواهد یافت (چنگ، ۲۰۱۰) یکی از اهداف پژوهش بررسی نقش واسطه ای الگوهای ارتباطی زوجین در پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه است. طبق دیدگاه یانگ (۲۰۱۷)، از آنجا که طرحواره های ناسازگار اولیه همیشه خود را در جریان یک ارتباط نشان می دهند باعث کنش وری رابطه می شوند. هنگامی که طرحواره های ناسازگار

---

<sup>۱</sup>Wally ent

<sup>۲</sup>Gottman

<sup>۳</sup>Danley

اولیه فعال می شوند سطوحی از هیجان منتشر میشود و مستقیم و یا غیرمستقیم منجر به اشکال مختلفی از آشفتگی های شناختی و کارکردی در کانال های ارتباطی بین زوجین و یا به عبارتی الگوهای ارتباطی می گردد (یانگ و گلوسکی، ۲۰۱۷). کریستنس و سالوی، (۱۹۹۱) بیان می کنند که الگوهای ارتباطی در اثر تربیت، تجربه، آموزش و الگوبرداری در خانواده اصلی و در طی دوران کودکی شکل می گیرد به نظر می رسد از این نظر با دیدگاه یانگ، (۱۹۹۷) در مورد طرحواره های ناسازگار اولیه در ارتباط است. نظریه پردازان خانواده نیز معتقدند، الگوهای ارتباطی براساس قراردادهایی نامرئی که همان باورهای ارتباطی هریک از زوجین هستند به وجود می آید و بر روابط متقابل آن ها حاکم می شوند. این الگوهای ارتباطی در عین مشخص بودن از انعطاف کمی برخوردارند، و می توانند رضایت زناشویی را دربرگیرند یا از بین ببرند. (مینوچین، ۱۳۸۹ به نقل از اسماعیل پور، ۱۳۹۲) مطالعات نیز نشان می دهد طرح واره های ناسازگار اولیه می تواند بر الگوهای ارتباطی افراد تاثیر گذار باشد (نیدرهیسر و همکاران، ۲۰۱۱).

در بررسی پیشینه نقش باورهای ارتباطی زوجین بر روی الگوهای ارتباط آنها، توجه به دیدگاه آیدلسون و اپستین، (۱۹۸۹) در این باره نشان می دهد باورهایی که زوجین در برقراری رابطه زناشویی با همسر خود دارند چگونگی رفتار و تعامل آنها را با همسر در این رابطه دربردارد، اینکه تعامل سازنده باشد یا اجتنابی و یا پرتوقع از باورهای ارتباطی این افراد سرچشمه می گیرد. مارک و همکاران، (۲۰۱۱) معتقدند باورهای ارتباطی نقش مهمی در کارکردهای ارتباطی زوجین دارد، از جمله الگوهای ارتباطی رادر آنها تحت تاثیر قرار می دهد. بدیهی است زمانی که دو فرد نا آشنا کنار هم قرار می گیرند دوام و کیفیت رابطه آنها به دانش، مهارت و باورهای ارتباطی هر یک از آنها در تحکیم این ارتباط بستگی دارد. باورهای ارتباطی با الگوهای ارتباطی زوجین رابطه دارد، باورهای ارتباطی زوجین با الگوی ارتباط سازنده رابطه منفی

---

<sup>۱</sup>Young, & Gluhoski

<sup>۲</sup>Neiderhiser

معناداری دارد وبا الگوهای ارتباط زناشویی غیرسازنده رابطه مثبت و معنادار دارد (نوابی نژاد، ۱۳۸۴). یکی دیگر از اهداف این پژوهش بررسی نقش واسطه ای رضایت جنسی در پیش بینی تعهد زناشویی و در رابطه با طرحواره های ناسازگار اولیه است. طبق نظریه لارنس و بیرز (۱۹۹۵) رضایت جنسی پاسخ عاطفی برخاسته از ارزشیابی ذهنی فرد از ابعاد مثبت و منفی مرتبط با رابطه جنسی با فردی دیگر است و زندگی زناشویی رضایت بخش تا اندازه ای مربوط به همین رابطه جنسی است و نیز مبتنی بر دیدگاه جانسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) برآورده شدن تمایلات جنسی نقش موثری در روابط زوجین ایفا می کند و بی توجهی به آن موجب بروز اختلال در روابط زوج می شود. رضایت جنسی یکی از عوامل اصلی و بنیادین رضایت و تعهد به رابطه زناشویی است. اشدون<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲)؛ لی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۳)؛ میکائیل<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۰) معتقدند یکی از مولفه های تاثیرگذار بر تعهد زناشویی رضایت جنسی است و اگر این رابطه قانع کننده نباشد منجر به محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی و به خطرات دادن رابطه و در نتیجه کاهش تعهد زناشویی می شود. رضایت جنسی یک عامل پیش بینی کننده قوی برای رضایت و تداوم رابطه زناشویی است (هالفورد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). رضایت جنسی برخاسته از ارزیابی فرد از رابطه ی جنسی است که شامل دریافت فرد از ارضای نیازها، برآورده شدن انتظارات خود و همسرش از رابطه و ارزیابی مثبت وی از رابطه ی جنسی می باشد آفمن و متیوسن<sup>۶</sup> (۲۰۰۵). دو مولفه ی تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه ای دو طرفه با یکدیگر دارند یعنی کاهش در رضایت جنسی باعث کاهش یا عدم تعهد در زوجین شده و کاهش در

---

<sup>۱</sup>Lawrance & B yers

<sup>۲</sup>Johnson

<sup>۳</sup>ashdown

<sup>۴</sup>Lee

<sup>۵</sup>Michael

<sup>۶</sup>Halford

<sup>۷</sup>Offman & Mattheson

تعهد زناشویی باعث اختلالات جنسی در زوجین و در نتیجه کاهش رضایت جنسی زوج می گردد. (استتز و هامونز، ۲۰۰۲)

در این بین عوامل متعددی هستند که بر رضایت جنسی بین زوجین تاثیرگذار است که از این میان طرحواره های ناسازگار بسیارمورد توجه است و می تواند منجر به تداوم یا قطع رابطه زناشویی شود (سیرانوسکی و آندرسون، ۱۹۹۴). طبق دیدگاه سیرانوسکی و آندرسون عوامل فیزیولوژیکی، روانشناختی و بین فردی بر روی رضایت جنسی نقش عمده ای برعهده دارند آنها به مفهوم طرحواره های جنسی به عنوان تعمیم شناختی فرد از جنبه های جنسی اشاره کردند و آنرا حاصل تجارب اولیه فرد دانستند. مطالعات دیگر نیز در مورد ماهیت عوامل تاثیر گذار بر روابط جنسی نشان داده یکی از مهمترین عوامل شناخت ها، نگرش ها و طرح واره های افراد درباره رابطه جنسی است که رضایت از رابطه را بدنبال دارد. (فوتنس و ایگلسیس، ۲۰۱۴). لذت جنسی انسان بیشتر محصول ذهن است تا جسم و عوامل شناختی معمولا سهم مهمی در فعالیت جنسی دارند و می توانند عملا موجب بروز یا جلوگیری از آن شوند. با توجه به پیچیدگی های تفکر و ادراکات انسان می توان ادعا کرد که آنچه مهمتر از خود فعالیت جنسی است، طرحواره ها ذهنی افراد از این رابطه است. طرح واره های جنسی نا کارآمد فرد حاصل طرح واره های اولیه ناسازگاری می باشند و ماهیت ناسازگار آنها زمانی ظاهر می شود که افراد در روند زندگی خود و در تعامل با دیگران و به ویژه در رابطه زناشویی به گونه ای عمل می کنند که طرحواره های آنها باید به هر قیمتی تایید شود، حتی اگر برداشت آنها نادرست باشد و این منجر به عدم رضایت جنسی در طرفین رابطه می شود (سیرانوسکی و آندرسون، ۱۹۹۴). طرحواره های ناسازگار در مورد روابط جنسی که از دوران کودکی و اوایل جوانی در فرد شکل می گیرد می تواند عمکرد جنسی وی را تحت تاثیر قرار دهد و عدم رضایت جنسی

---

<sup>۱</sup>Stets & Hammons

<sup>۲</sup>Cyranowski & Andersen

<sup>۳</sup>Fuentes & Iglesias

وی و نیز شریک جنسی وی را در پی داشته باشد (لی و همکاران، ۲۰۱۳؛ هسلر و همکاران، ۲۰۱۳). علاوه بر این در این پژوهش قصد داریم نقش میانجی رضایت جنسی را در رابطه بین باورهای ارتباطی و تعهد زناشویی نیز بررسی کنیم. طبق دیدگاه آندلسون و اپستین (۱۹۸۹) باورهای ارتباطی دارای دو مولفه مهم کمال گرایی جنسی و تفاوت‌های جنسیت است. باور به کمال گرایی جنسی یعنی انتظار از همسر در برقراری رابطه جنسی در همه شرایط بدون توجه به شرایط دیگری و باور به تفاوت‌های جنسی یعنی نداشتن درک صحیح از تفاوت‌های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد و انتظار رفتار یکسان داشتن در طی رابطه، آنها معتقدند این دو مولفه نقش مهمی در عملکرد جنسی زوجین دارند و می‌تواند رضایت جنسی را تحت تاثیر قرار دهند. باورهای ارتباطی زوجین نقش مهمی در فهم و ارزیابی رضایت جنسی آنها دارد (متس و کوپاچ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰ و تامسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). از طرفی پژوهش‌های بسیاری متغیر رضایت جنسی را در پیش بینی رضایت زناشویی و تعهد زناشویی موثر دانسته‌اند (بیزرودمونز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹)؛ اگینز و همکاران (۱۹۹۳)؛ لا کوئیز<sup>۵</sup> (۱۹۹۸)؛ کومستاک<sup>۶</sup> (۱۹۹۰)؛ برلسون<sup>۷</sup>؛ هاتفیلد<sup>۸</sup>؛ (۲۰۱۰) به نقل از علیپور، (۱۳۹۲). پورغلامعلی، (۱۳۹۴) معتقد است بین کارکردهای جنسی و باورهای ارتباطی و تعارضات زناشویی و تعهد زناشویی رابطه وجود دارد و باورهای ارتباطی ناکارآمد رضایت جنسی زوجین را کاهش داده و بدنبال آن رضایت زناشویی و پایبندی و تعهد زناشویی کاهش می‌یابد. عباسی، (۱۳۹۶)؛ شمس‌الدینی، (۱۳۹۵) معتقدند باورهای ارتباطی ناکارآمد،

<sup>۱</sup>Hesler<sup>۲</sup>Meets & cupach<sup>۳</sup>Thomson<sup>۴</sup>Byers & Demmons<sup>۵</sup>Oggins<sup>۶</sup>luquise<sup>۷</sup>comstock<sup>۸</sup>Burleson<sup>۹</sup>Hatfield

دلزدگی زناشویی را پیش بینی می کند و ممکن است در نتیجه کاهش رضایت زناشویی. تعهد زناشویی را در پی داشته باشد. احمدزاده، کریمی ثانی پرویز، گودرزی و مرادی (۱۳۹۹) معتقدند که زوج درمانی به روش طرحواره درمانی باعث کاهش سرخوردگی زناشویی و افزایش تعهد زناشویی و ابعاد آن‌ها در زوجین شد

متغیر دیگر این پژوهش که نقش میانجیگری آن بررسی خواهد شد سبک های حل تعارض است یکی از موضوعات مورد علاقه پژوهشگران حوزه خانواده و ازدواج، تأثیر شیوه حل تعارض بر پیامدهای زناشویی است. طبق نظریات (گاتمن، ۱۹۹۳، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴؛ بوهرلو و همکاران ۲۰۱۴) سبک های حل تعارض راهبردهای مدیریت کردن تعارض می باشد که شخص در هنگام مواجهه با تعارض از آن‌ها استفاده می نماید. این راهبردها عبارتند از: سبک های یکپارچگی، ملزم شده، مسلط، اجتنابی و مصالحه. سبک های یکپارچگی و ملزم شده را سازنده و سبک های مسلط و اجتنابی را غیرسازنده دسته بندی می کنند به طور کلی سبک های حل تعارض به دو نوع سازنده و غیرسازنده تقسیم میشود. تعارض سازنده بر مصالحه و راه حلهای مناسب و مثبت و تعارض غیرسازنده بر تهدید و راه حلهای استبدادی و نامناسب استوار است (شاکرمی و همکاران، ۱۳۹۳). حقیقت اساسی در زندگی زناشویی این است که همه ی زوج‌ها با مشکلاتی روبرو هستند اما برخی از زوج‌ها نسبت به برخی دیگر در حل مشکلات توانمندتر می باشند، به همین دلیل می توان گفت که اغلب روش برخورد با مشکلات بیش از خود مشکلات می تواند مسأله ساز باشد (اولسون، ۲۰۱۰). سبک های حل تعارض می تواند یک شاخص کلیدی در روابط عاشقانه ی موفق باشد. تحقیقات نشان داده است که رابطه موفق زناشویی در آینده زوج ها بستگی زیادی به استفاده از شیوه های حل تعارض آنها دارد (ویسکریچ و دیلوی، ۲۰۱۳). توانایی مدیریت و حل

---

<sup>۱</sup>Gottman

<sup>۲</sup>Buehler

<sup>۳</sup>Weisskirch & Delevi

تعارض ها به شکل سازنده می توانند یک رابطه ی قوی را در رابطه ی زوج ها شکل دهد و زوج ها را برای ایجاد رابطه صمیمی و متعهدانه کمک کند (ساماهانو، ۲۰۱۳) پژوهش ها حاکی از آن است که انتخاب روش زوج ها برای مدیریت تعارض در روابطشان یک عامل مهم و تعیین کننده در کیفیت کلی رابطه است. (ویلر، کیمیرلی و شاونای، ۲۰۱۰). هارمون، (۲۰۰۵) معتقد است بین سبک های حل تعارض با تعهد زناشویی رابطه وجود دارد. زوج هایی که سبک های حل تعارض سازنده ای دارند، از تعهد زناشویی بیشتری برخوردارند (بایرامی و همکاران، ۱۳۹۲)

اینکه افراد در هنگام تعارض از چه سبکی استفاده می کنند به آموزش هایی که از دوران کودکی و در سبک تربیتی خود دیده اند دارد. طبق نظریه یانگ، (۱۹۹۷) در دوران کودکی هنگامی که شناخت های فرد شکل می گیرد طرح واره هایی در او شکل می گیرد، این طرحواره ها رفتارهای آینده فرد از را در مواجهه با شرایط زندگی پیش بینی می کند، اگر این طرحواره ها به طور ناسازگار رشد کنند، رفتارهای ناهمسازی رابعث می شوند، طرح واره های ناسازگار می تواند باعث شکل گیری شیوه های حل تعارض ناسازگار یا غیر سازنده شوند. با توجه به اهمیت توجه به شناخت ها و بویژه طرح واره های ناسازگار اولیه پژوهشگران مختلف تاثیر آن را بر روی سبک های حل تعارض مورد توجه قراردادند. مطالعات نشان می دهد طرح واره های ناسازگار اولیه می تواند سبک های حل تعارض را در افراد تحت تاثیر قرار دهد (اولسون، ۲۰۱۰)

در بررسی پیشینه رابطه متغیر سبک های حل تعارض و باورهای ارتباطی، مارک، (۲۰۱۱) معتقد است باورهای ارتباطی زوجین روی سبک های انتخابی آنها در حل تعارضات تاثیر دارد. باورهای ارتباطی همچون باور به تخریب کنندگی مخالفت، توقع ذهن خوانی، تغییر ناپذیری

---

<sup>۱</sup>Somohano

<sup>۲</sup>Wheeler & Kimberly & Shawna

<sup>۳</sup>Harmoon

همسر، تفاوت‌های جنسیتی می‌تواند سبک حل تعارض اجتناب را در رابطه زوجین پیش بینی کند (صادقی، ۱۳۹۳). باورهای ارتباطی مخرب، موجب انتخاب سبک های حل تعارض غیرسازنده مسلط واجتنابی درزوجین می‌شود و آن نیز باعث نارضایتی زناشویی دربین زوجین می‌گردد. نارضایتی زناشویی خود یکی از زمینه‌سازهای عهدشکنی زناشویی است (آزادی فرد، ۱۳۹۵). باورهای ارتباطی باعث بی‌ثباتی پیوند زناشویی و تعهدزناشویی می‌شود (جمشیدی، ۱۳۹۵). در ادامه به پژوهش‌هایی اشاره میشود که به رابطه دو به دویی متغیرها پرداخته است. ازِر و همکاران (۲۰۱۹) بیان داشتند که با بهبود الگوهای ارتباطی می‌توان باعث کاهش تعارضات زناشویی شد که در نهایت این امر باعث خواهد شد که تعهد زناشویی نیز افزایش یابد. الیوت و آمبرسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) بیان داشتند که هر چقدر رضایت جنسی در یک رابطه بیشتر باشد تعهد زناشویی نیز افزایش خواهد یافت و به ثبات زندگی کمک می‌کند.

چای و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که طرحواره‌ی ناسازگار شکست، ارتباط منفی با احساس اعتماد و قابل پیش بینی بودن شریک داشت و طرحواره‌ی بدرفتاری و بی‌اعتمادی به طور مستقیم با قابلیت اطمینان شریک رابطه داشت. افرادی که دارای طرحواره‌های ناسازگار محرومیت هیجانی و نقص بودند، کمتر به شریک خود ایمان داشتند و طرحواره ناسازگار نقص به طور مستقیم و منفی بر نزدیکی، رضایت، محبت و به طور کلی سازگاری رابطه اثر داشت. هولتون و آلن<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) بیان داشتند که یافته‌های پژوهش نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه و قصه‌های عشق با رضایت زناشویی همبستگی معنادار داشتند. از میان قصه‌های عشق، قصه‌های گونه‌ای که شامل قصه‌های جنگ، تأثر، طنز و معما میشود، میتوانند در رابطه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای داشته باشند. نتایج نشان‌دهنده تأثیرگذاری غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر رضایت زناشویی از طریق

<sup>۱</sup>Ezzar

<sup>۲</sup>Elliot & Emberson

<sup>۳</sup>Chay

<sup>۴</sup>Holton & Alton



قصه های عشق زیر گروه گونه بود. دمیتراکسو و روسو<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در پژوهش خود اثربخشی طرحواره درمانی بر نگرش های ناکارآمد نسبت به انتخاب همسر را یافتند با توجه به تحقیقات مذکور، چنین انتظار میرود که ناسازگاری بیشتر یک طرحواره باعث تعارضات بیشتر در روابط بعدی میشود. زانگ و تی سانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود بر روی زوجین به نقش مثبت و معنادار رضایت جنسی بر روی تعهد زناشویی دست یافتند. لیتزینگر و گوردون<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نشان داد رضایت جنسی والگوهای ارتباطی به طور مستقل و باهم در پیش بینی تعهد زناشویی نقش ایفاء می کنند. اسپرچر<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) نشان داد هم برای زنان و هم مردان رضایت جنسی نقش معناداری در رضایت زناشویی آنها و رضایت زناشویی منجر به تعهد زناشویی بیشتر در آنها می شود. استنلی و مارکمن ویتون<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) نشان داد مشکلات ارتباطی به ویژه باورهای مخرب و کیفیت مخدوش رابطه زوج ها فراوان ترین علل نارضایتی جنسی و وجود آورنده تعارضات زناشویی و عهدشکنی است. بوشمن<sup>۶</sup> (۱۹۹۸) نشان داد بین باورهای ارتباطی با سبک های حل تعارض و رضایت از زندگی و روش های مخرب حل مسئله رابطه معناداری وجود دارد.

هافرکامپ<sup>۷</sup> (۱۹۹۴) نتایج نشان داد که باورهای ارتباطی رابطه معناداری با حل تعارضات زناشویی دارد. نمک و اولسون<sup>۸</sup> (۲۰۱۴)؛ بوربی و لانگر<sup>۹</sup> (۲۰۱۳) هر کدام در پژوهش هایی به بررسی رابطه باورهای ارتباطی و روابط زناشویی و کیفیت ارتباط پرداختند نتایج نشان داد باورهای ارتباطی زوجین نقش معناداری در روابط مختلف زناشویی از جمله سازگاری

<sup>۱</sup>Dumitrescu & Rusu

<sup>۲</sup>Zhang & Tesang

<sup>۳</sup>Litzinger & Gordon

<sup>۴</sup>Spercher

<sup>۵</sup>Stanly & Markman & Whitton

<sup>۶</sup>Bushman

<sup>۷</sup>Haferkamp

<sup>۸</sup>Nemechek, & Olson

<sup>۹</sup>Burpee & Langer

زناشویی، تعهدزناشویی، رضایت جنسی، کیفیت والگوهای ارتباط زوجین دارد. تحقیقات اولسون و همکاران (۲۰۰۴)؛ هارمون (۲۰۰۵) نشان می‌دهد بین سبک‌های حل تعارض با تعهدزناشویی همبستگی وجود دارد، کیفیت حل تعارض توسط فرد می‌تواند در افزایش یا کاهش تعهد زناشویی نقش داشته باشد. استلیز (۲۰۱۴) نشان دادند که طرحواره های ناسازگار اولیه پیش بینی کننده سطح ضعیفی از روابط عاشقانه زناشویی می‌باشند. وایس<sup>۳</sup> (۲۰۱۴)؛ مارارا و تارلک<sup>۴</sup> (۲۰۱۲)؛ دیلدار، سیتوات و یاسین<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) تأکید می‌کنند که آموزش مهارت‌های لازم جهت حل تعارض‌های زناشویی در بهبود روابط متقابل زن و شوهر و بالا رفتن تعهد آن‌ها مفید است. آریتی و بمپوراد<sup>۶</sup> (۱۹۸۰) در پژوهش خود دریافتند که طرحواره های ناسازگار اولیه اثر منفی بر تعهد زناشویی دارد.

چنگ (۲۰۱۰)؛ دیلدار و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به نقش تأثیرگذار آموزش مهارت‌های حل تعارض زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر پرداخته اند و تأکید میکنند که آموزش مهارت‌های لازم جهت حل تعارض‌های زناشویی در بهبود روابط متقابل زن و شوهر و بالا رفتن تعهد بین آنها مفید است. زیدنار و کولدا<sup>۷</sup> (۲۰۱۳) بیان کردند که رضایتمندی روابط زوجین با باورهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض و هوش هیجانی آنها همبستگی بالایی دارد. زانگ و هه<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) از نتایج پژوهش خود پیش‌بینی کردند افرادی با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه احتمال اینکه در زندگی با همسر خود سازگاری داشته باشند کم خواهد بود و این سازگاری زناشویی با رضایت زناشویی و تعهد به آن رابطه دارد.

---

<sup>۱</sup>Harmon

<sup>۲</sup>Stiles

<sup>۳</sup>Weiss

<sup>۴</sup>Muraru, & Turliu

<sup>۵</sup>Dildar & Sitwat & Yasin,

<sup>۶</sup>Arieti & Bemporad

<sup>۷</sup>Zeidner & Kloda

<sup>۸</sup>Zang & He,

امانی (۱۳۹۴) نشان دادند رابطه مثبت و معنی دار بین سازگاری زناشویی با عامل های شخصیتی (به جز عامل روان نژند) و رابطه منفی سازگاری زناشویی با طرحواره های ناسازگار اولیه بود. ذولفقارنیا (۱۳۹۴) نشان داد برخی حوزه های طرح واره های ناسازگار توان پیش بینی الگوهای ارتباطی در زوجین رادارد. ندیری و خلعتبری (۱۳۹۷) بیان داشتند بین تعهد زناشویی و سبک- های دلبستگی و حل تعارض و کمال گرایی رابطه وجود دارد. رابطه بین تعهد زناشویی و سبک دلبستگی ایمن، به صورت مستقیم (مثبت) و در حد متوسط می باشد. و بین تعهد زناشویی و سبک دلبستگی نا ایمن اجتنابی و نا ایمن دوسوگرا، رابطه به صورت غیرمستقیم (منفی) و در حد ضعیف می باشد. معصومی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل و میزان رضایت جنسی زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و میزان رضایت جنسی زوجین رابطه منفی و معناداری وجود دارد و به عبارت دیگر براساس نتایج تحلیل رگرسیون، الگوی ارتباطی سازنده متقابل در جهت مثبت و الگوی ارتباطی اجتناب متقابل در جهت منفی می تواند میزان رضایت جنسی زوجین را پیش بینی کند. هادی و همکاران (۱۳۹۵) بیان داشتند اثر مستقیم خودکنترلی و طرحواره های ناسازگار استحقاق، پذیرش جویی و محرومیت هیجانی بر تعهد زناشویی است. در مورد رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی با تعهد زناشویی، متغیرهای خودکنترلی، و طرحواره های بی اعتمادی، رهاشدگی، بیگانگی و محرومیت هیجانی نقش میانجی ایفا می- کردند. در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی با تعهد زناشویی نیز تنها طرحواره محرومیت هیجانی نقش میانجی داشت. اما در مورد سبک دلبستگی ایمن هیچکدام از متغیرها نقش میانجی نداشتند. شفیع و همکاران (۱۳۹۵) بیان داشتند بین همه ابعاد طرحواره های ناسازگار اولیه و مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ هر چه میزان طرحواره های ناسازگار بیشتر باشد احتمال مشکلات زناشویی بیشتری تجربه خواهد شد. تقی یار (۱۳۹۳) بیان داشت بین همه ی متغیرهای پیش بین با متغیر صمیمیت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون همزمان نشان داد رضایت جنسی و سبک های عشق واقع گرایانه، فداکارانه و رومانیک به طور مثبت و معناداری صمیمیت زناشویی را تبیین می نماید. تعهد به تنهایی می-

تواند درصد کمی از واریانس صمیمیت را پیش بینی کند ولی با وجود متغیرهای پیش بین دیگر در رگرسیون همزمان نمی تواند صمیمیت زناشویی را تبیین کند. در نتیجه رضایت جنسی بیشترین تاثیر را بر روی صمیمیت زناشویی دارد و تعهد نمی تواند صمیمیت بین زوجین را پیش بینی نماید.

### بخش اول: بررسی روش پژوهش

روش پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده ها توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه پیام نور کرمانشاه با بیش از ۵ سال سابقه زندگی زناشویی خواهند. حجم نمونه به روش نمونه گیری در دسترس ۳۰۰ نفر انتخاب گردید. جهت گردآوری داده ها از مطالعات کتابخانه ای، کتب و منابع تالیف شده و مقالات و اینترنت استفاده خواهد شد و همچنین ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷) دارای سه بعد (تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری) و دارای ۴۴ سؤال است. سئوالات به صورت طیف لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) است. پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ درسال ۱۹۸۸ دارای ۷۰ ماده است درطیف لیکرت ۶درجه ای (کاملاً غلط تا کاملاً درست) میباشد. این پرسشنامه برای ارزیابی ۱۵ طرحواره (۱- طرح واره رهاشدگی ۲- طرح واره بی اعتمادی/ سوء رفتار، طرح واره محرومیت هیجان، طرحواره وابستگی/ بیکفایتی، طرحواره آسیب پذیری نسبت به ضرر/ بیماری، طرحواره نقص/ شرم، طرح واره ناکامی، طرح واره بازداری هیجانی، طرح واره فداکاری، طرح واره معیارهای سرسختانه، طرحواره استحقاق، طرحواره خودانضباطی ناکافی، طرح واره انزوای اجتماعی، طرحواره اطاعت، طرحواره گرفتاری و دردام افتادگی) ناسازگار اولیه ساخته شد. پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسن و اپستین (۱۹۸۱) دارای ۴۰ سؤال است که پنج خرده آزمون به نامهای باور به مخرب بودن مخالفت، باور به تغییر ناپذیری همسر، ذهن خوانی، کمال گرایی جنسی، باور به تفاوت های جنسی دارد. سئوالات طبق طیف گزینه ای لیکرت (کاملاً غلط، غلط، احتمالاً غلط، احتمالاً درست، درست

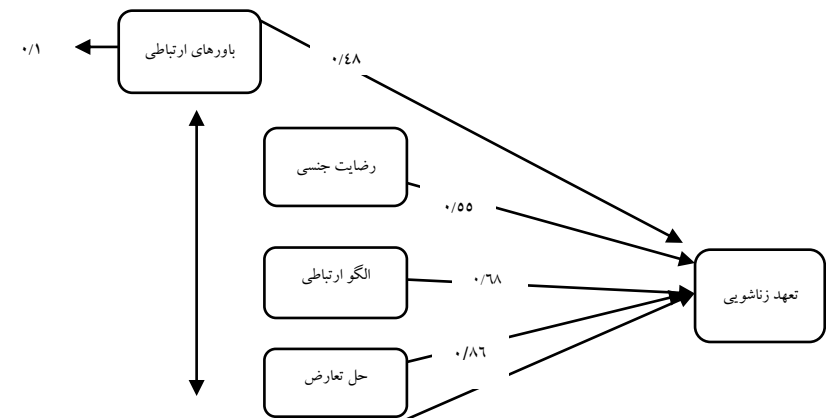
و کاملاً درست) است. پرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستسن و سالوی (۱۹۸۴) دارای ۳۵ ماده و سه الگوی ارتباطی سازنده متقابل، اجتناب متقابل، توقع/کناره‌گیری را ارزیابی می‌کند و در طیف ۹ گزینه ای لیکرت (اصلاً امکان ندارد تا خیلی امکان دارد) مرتب شده است. پرسشنامه رضایت جنسی لارسون (۱۹۸۸) دارای ۲۵ و ۴ مؤلفه تمایل به برقراری روابط جنسی، نگرش جنسی، کیفیت زندگی جنسی و سازگاری جنسی را ارزیابی می‌کند از بین سوالات پرسشنامه ۱۳ سوال منفی و ۱۲ سوال مثبت است و بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) تدوین شده. پرسشنامه سبکهای حل تعارض رحیم (۱۹۸۳) به صورت طیف لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) است. پایایی پرسشنامه‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۱، ۰/۸۳، ۰/۸۹، ۰/۹۰، ۰/۹۲ محاسبه شد. روایی محتوایی یا صوری پرسشنامه‌ها مورد تایید صاحب‌نظران قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها حاصل از اجرای پژوهش آمار توصیفی (درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی از معادلات ساختاری) و نرم افزار LISREL استفاده گردید.

### بخش دوم: یافته‌ها

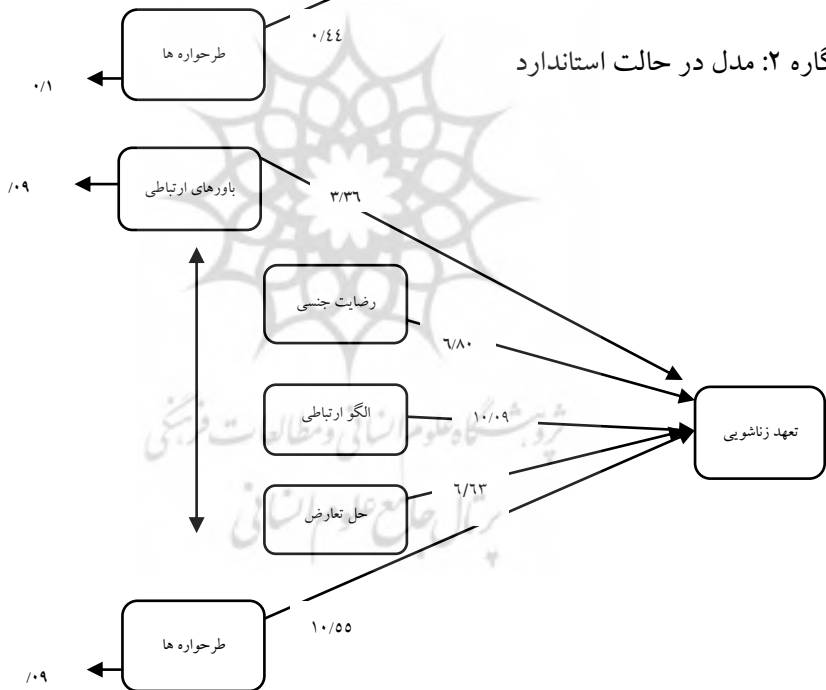
از آنجایی که در گام برآورد مدل مشاهده شد که مدل از برازندگی خوبی برخوردار بود. همانگونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، شاخص‌های نیکویی برازش حاصل نشان می‌دهد مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

پارامترهای اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل نهایی

سطح معنی داری	خطای معیار	بر آورد استاندارد	پارامترها مسیرها
۰/۰۲	۴/۰۶	۰/۴۲	باورهای ارتباطی با رضایت جنسی
۰/۰۰۱	۵/۴۱	۰/۴۶	باورهای ارتباطی با الگوهای ارتباطی
۰/۰۰۱	۴/۴۰	۰/۴۱	باورهای ارتباطی با حل تعارض
۰/۰۰۳	۶/۳۶	۰/۳۹	باورهای ارتباطی با تعهد زناشویی
۰/۰۰۱	۵/۷۱	۰/۴۱	طرحواره ها با رضایت جنسی
۰/۰۰۱	۶/۶۹	۰/۳۸	طرحواره ها با الگوهای ارتباطی
۰/۰۳	۴/۵۹	۰/۴۰	طرحواره ها با حل تعارض
۰/۰۰۴	۱۰/۵۵	۰/۴۴	طرحواره ها با تعهد زناشویی
۰/۰۰۱	۶/۸۰	۰/۵۵	رضایت جنسی با تعهد زناشویی
۰/۰۰۱	۱۰/۰۹	۰/۶۸	الگوهای ارتباطی با تعهد زناشویی
۰/۰۰۱	۶/۶۳	۰/۸۶	حل تعارض با تعهد زناشویی



نگاره ۲: مدل در حالت استاندارد



نگاره ۳: مدل در حالت معناداری

## نتیجه گیری

نتایج نشان داد باورهای ارتباطی و طرحواره های ناسازگار اولیه با نقش میانجی الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت جنسی و سبکهای حل تعارض بر میزان تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه پیام نور کرمانشاه اثر مستقیم و غیر مستقیم دارد. بنابراین بین متغیرهای نامبرده رابطه معناداری وجود دارد و از طریق باورهای ارتباطی و طرحواره های ناسازگار اولیه میتوان میزان تعهد زناشویی را تحت تاثیر قرار داد. همچنین نتایج نشان داد از طریق الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت جنسی و سبکهای حل تعارض میتوان بر میزان تعهد زناشویی اثر گذاشت و این مقدار را کاهش یا افزایش داد.

بر اساس دیدگاه یانگ طرحواره‌ها از طریق ماهیت ناسازگار خود روابط زناشویی را تحت تاثیر قرار میدهد لذا این طرحواره ها باعث تاثیر در عملکرد رابطه و کاهش میزان تعهد زناشویی میشوند بنابراین طرح های ناسازگار تعهد زوجین را کاهش میدهد این امر با پژوهش های زانگ و هه (۲۰۱۰)، وتزل و همکاران (۲۰۱۴) امانی (۱۳۹۴) و یانگ (۲۰۱۷) همخوان میباشد چراکه معتقدند طرحواره های ناسازگار تعهد زناشویی را کاهش میدهند.

باورهای ارتباطی نیز از طریق برقراری ارتباط به عنوان یکی از مهارتهای ارتباطی و زندگی میتواند روابط و میزان تعهد زوجین را تحت تاثیر قرار دهد افکار و باورهای غیر منطقی زوجین میزان تعهد آنها را کاهش میدهد این یافته با مطالعات سلاوینکس وزادسکایت (۲۰۱۲)، گاتمن (۲۰۱۳) همخوان میباشد. مشتاقی در این باره بیان میکند که باورهای ارتباطی ناکارآمد متغیرهایی مانند روابط زناشویی، سازش پذیری راتحت تاثیر قرار می دهد و علت بسیاری از اختلافات زناشویی می باشد. درایدن (۲۰۰۳) معتقد است که باورهای کارآمد و عقلانی زوجین میزان تعهد زناشویی آنان را افزایش میدهد و سروستانی (۲۰۱۱) نیز در استناد به این امر بیان میکند که باورهای ناکارآمد و غیر عقلانی میزان تعهد زناشویی را کاهش میدهد.



الگوهای ارتباطی نیز از طریق ایجاد کانال‌های ارتباطی بین زوجین به تعاملات آنها کمک میکند و آنها را از رفتارهای مشکل‌آفرین دور میسازد. در واقع الگوهای ارتباطی به عنوان یکی از عوامل فردی موثر بر رضایت و تعهد زناشویی اثر میگذارند در استناد به این امر گاتمن (۲۰۱۳) بیان میکند که الگوهای ارتباطی با اثرگذاری قوی بر کیفیت رابطه زناشویی به آنها کمک میکند تا الگوهای ارتباطی سالم و سازنده‌ای را داشته باشند و با افزایش رضایت زناشویی میزان تعهد آنها را نیز بهبود میبخشد. چنگ (۲۰۱۰) نیز در استناد به این امر بیان میکند که الگوهای ارتباطی میزان تعهد زناشویی را افزایش می‌دهد.

نتایج نشان داد رضایت جنسی هم میتواند تعهد زناشویی را بهبود بخشد. بر اساس دیدگاه لارنس و بیرز (۱۹۹۵) رضایت جنسی یکی از عوامل اصلی و بنیادین رضایت و تعهد به رابطه زناشویی است در استناد به این امر دیدگاه اشدون و همکاران (۲۰۱۲)؛ لی و همکاران (۲۰۱۳)؛ میکائیل و همکاران (۲۰۰۰) است که معتقدند یکی از مولفه‌های تاثیرگذار بر تعهد زناشویی رضایت جنسی است و اگر این رابطه قانع‌کننده نباشد منجر به محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی و به خطرات دادن رابطه و در نتیجه کاهش تعهد زناشویی می‌شود. باورهای ارتباطی از طریق رضایت جنسی میتوانند بر میزان تعهد زناشویی اثر بگذارند در استناد به این امر پورغلامعلی، (۱۳۹۴) معتقد است بین کارکردهای جنسی و باورهای ارتباطی و تعارضات زناشویی و تعهد زناشویی رابطه وجود دارد و باورهای ارتباطی ناکارآمد رضایت جنسی زوجین را کاهش داده و بدنبال آن رضایت زناشویی و پایداری و تعهد زناشویی کاهش می‌یابد. عباسی، (۱۳۹۶)؛ شمس‌الدینی، (۱۳۹۵) معتقدند باورهای ارتباطی ناکارآمد، دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند و ممکن است در نتیجه کاهش رضایت زناشویی، تعهد زناشویی را در پی داشته باشد.

ساماهانو (۲۰۱۳) در استناد به این امر نشان میدهد سبک‌های حل تعارض نیز به عنوان یک متغیر میانجی بر میزان تعهد زناشویی اثر میگذارد. توانایی مدیریت و حل تعارض‌ها به شکل سازنده می‌تواند یک رابطه‌ی قوی را در رابطه‌ی زوج‌ها شکل دهد و زوج‌ها را برای ایجاد

رابطه صمیمی و متعهدانه کمک کند. ویلر، کیمیرلی وشاونا (۲۰۱۰) نیز معتقدند انتخاب روش زوج هابرای مدیریت تعارض در روابطشان یک عامل مهم و تعیین کننده در کیفیت کلی رابطه است. هارمون (۲۰۰۵) معتقد است بین سبکهای حل تعارض با تعهد زناشویی رابطه وجود دارد. زوج هایی که سبک های حل تعارض سازنده ای دارند، از تعهد زناشویی بیشتری برخوردارند (بایرامی وهمکاران، ۱۳۹۲)

سبک های حل تعارض و باورهای ارتباطی، مارک (۲۰۱۱) و صادقی (۱۳۹۳) معتقد هستند باورهای ارتباطی زوجین روی سبکهای انتخابی آنها در حل تعارضات تاثیر دارد. باورهای ارتباطی همچون باور به تخریب کنندگی مخالفت، توقع ذهن خوانی، تغییرناپذیری همسر، تفاوت های جنسیتی می تواند سبک حل تعارض اجتناب را در رابطه زوجین پیش بینی کند. آزادی فرد (۱۳۹۵) نیز باور دارد که باورهای ارتباطی مخرب، موجب انتخاب سبک های حل تعارض غیرسازنده مسلط واجتنابی در زوجین می شود و آن نیز باعث نارضایتی زناشویی در بین زوجین می گردد.

## منابع و ماخذ

- احمدزاده اقدم ابراهیم، کریمی ثانی پرویز، گودرزی محمود، مرادی امید. بررسی اثربخشی زوج درمانی با رویکرد طرحواره درمانی بر سرخوردگی و تعهد زناشویی در زوجین. روان پرستاری. ۱۳۹۹؛ ۸(۵)
- اسماعیل پور، خلیل؛ خواجه، وجیهه؛ مهدوی، نفیسه. (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران براساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی. *خانواده پژوهی*، ۹ (۳۳).
- اعتمادی، عذرا؛ جابری، سمیه؛ جزایری، رضوان السادات؛ احمدی، سید احمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان. *زن و جامعه*، ۵ (۱۷)، ۶۳-۷۴.
- امانی، احمد؛ عیسی نژاد، امید؛ عزیزی، آرمان. (۱۳۹۴). بررسی روابط ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و عامل‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۳۷، ۴۵-۷۰.
- آزادی فرد، صدیقه. (۱۳۹۵). رابطه باورهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با رضایت زناشویی. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۴(۲۷)، ۴۸-۳۹.
- برزگر، اسماعیل؛ سامانی، سیامک. (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای صمیمیت در رابطه بین الگوهای ارتباطی و کیفیت زندگی. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۷(۲).
- بیرامی، منصور، باباپور، خیرالدین؛ هاشمی نصرت آباد، جلیل؛ اسمعیلی، تورج؛ بهادری، اسماعیل؛ خسروشاهی، جعفر (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی

براساس مولفه های هوش هیجانی و شیوه های حل تعارض. مجله علمی دانشگاه ۲۱-  
۶۲۷، صص ۱، شماره ۳ سال،

➤ تقی یار، زهرا (۱۳۹۳). بررسی رابطه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و سبک های  
عشق ورزی با صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان. دانشگاه هرمزگان - دانشکده  
علوم تربیتی و روانشناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد.

➤ حیدری، حسین (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک های هویتی با  
تعهد زناشویی افراد متأهل. مجله خانواده پژوهی. ۱۱ (۴۱) ۷۳-۸۶.

➤ ذوالفقاری نیا، الهام، ۱۳۹۴. رابطه طرح وارده های ناسازگار اولیه و الگوهای ارتباطی  
در افراد متأهل. دانشگاه شهید بهشتی - پایان نامه کارشناسی ارشد

➤ شمس الدینی، هانیه (۱۳۹۵). نقش پیش بینی کنندگی باورهای ارتباطی غیرمنطقی  
و مولفه های عشق بردلزدگی زناشویی. پژوهش های مشاوره. ۱۵ (۶۰) ۴۱-۱۹.

- ALLEN, E. S., RHOADES, G. K., STANLEY, S. M., & MARKMAN, H. J. (2011). ON THE HOME FRONT: STRESS FOR RECENTLY DEPLOYED ARMY COUPLES. *FAMILY PROCESS*, 50(2), 235-247
- ARIETI, S., & BEMPORAD, J. (1980). THE PSYCHOLOGICAL ORGANIZATION OF DEPRESSION. *AMERICAN JOURNAL OF PSYCHIATRY*, 137(10): 1360-1365.
- ARRIAGA, X. & AGNEW, C. B. (2001). COMMITTED: AFFECTIVE, COGNITIVE, AND CONATIVE COMPONENTS OF RELATIONSHIP COMMITMENT. *PERS SOC PSYCHOL BULL*, 27 (9), 1190
- ASHDOWN BRIEN, K., HACKATHORN, J., & CLARK, M. (2012). "IN AND OUT OF THE BEDROOM: SEXUAL SATISFACTION IN THE MARITAL RELATIONSHIP". *JOURNAL OF INTEGRATED SOCIAL SCIENCE- CES*, 2(1): 40-57.
- BUEHLER, C. (2014). INTERPARENTAL CONFLICT STYLES AND YOUTH PROBLEM BEHAVIOR: A TWO-SAMPLE REPLICATION STUDY. *JOURNAL OF MARRIAGE AND THE FAMILY*, 60, 119-13

- BURPEE, LC. & LANGER, E.J. (2013). MINDFULNESS AND MARITAL SATISFACTION, *JOURNAL OF ADULT DEV*, VOL.12, PP.43-51.
- CALHOUN, C. (2004). AN APOLOGY FOR MORAL SHAME. *THE JOURNAL OF POLITICAL PHILOSOPHY*, 12, 2, 127–146.
- CHRISTENSEN, A., & SALAVY, R. J. (1991). COMMUNICATION, CONFLICT, AND PSYCHOLOGICAL DISTANCE IN NONDISTERESED, CLINIC AND DIVORCING COPLES. *JOURNAL OF CONSULTING AND CLINICAL PSYCHOLOGY*, 59(3), 458-463.
- COHAN, C. L. & KLEINBAUM, S. (2002). TOWARD A GREATER UNDERSTANDING OF: PREMARITAL COHABITION AND MARITAL COMMITMENT. *JOURNAL OF MARRIAGE AND FAMILY*. 54, 180-193.
- DANLEY, C.J. (2007). MARITAL SATISFACTION IN CLERGY COUPLE: ISSUES, CONCERN, AND MEDIETING FACTORS ASSOCIATED WITH THEIR ROLES AS PASTOR AN PASTSSSS SPOUSE. PHD.TEXAS WOMA” SVVVVVSSTTY.

